

# استراتژی جنگی و اصول بنیادین جنگ

سید محمد طاهایی

عضو هیات علمی دانشگاه امام حسین (ع)

گروه علوم سیاسی

چکیده: کتاب «محمد (ص) به عنوان یک رهبر نظامی»، نوشته افضل الرحمن، در ۳۱۴ صفحه و شامل ۹ فصل، تلاشی است در تحلیل بخشی از ابعاد وجود پربرکت پیامبر بزرگ اسلام (ص) که با استناد به آیات قرآن و سیره آن حضرت به رشته تحریر درآمده است. نگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در این کتاب، سیر منطقی، دلایل و چگونگی پیروزی اسلام بر تمامی دشمنان و استقرار صلح، آرامش و عدالت؛ که برای اولین بار در شبه جزیره عربستان به وقوع پیوست، همراه مقایسه و تطبیق با استراتژیهای نظامی کنونی توضیح داده شده است. مهمترین مسائلی که مورد بحث و بررسی قرار گرفته به این شرح است: اسلام و صلح، چگونگی ورود عنصر جنگ به درون اسلام، فلسفه و اهمیت جهاد، عدم اجبار در اسلام، استراتژی نظامی و اصول آن، رهبری و فرماندهی، استراتژی جغرافیایی، نقش گروه‌های گشتی اطلاعاتی و عملیاتی در هر یک از غزوه‌ها، حقوق جنگ و جنگ دفاعی.

---

1 - MUHAMMAD AsA MILITARY LEADER, AFZALUR RAHMAN.

Sponsored and Published By: THE MUSLIM SCHOOLS TRUST

LONDON. 78 Gillespie Road London N5, first Edition 1980.

این مقاله، که با آیه ۶۰ سوره انفال آغاز گردیده است،<sup>۱</sup> ترجمه بخش اول از فصل دوم کتاب، با عنوان «استراتژی جنگی و اصول بنیادین جنگ» است که در ادامه به آن می‌پردازیم.<sup>۲</sup>

استراتژی در فرهنگ نظامی بر کاربرد علمی تمامی منابع موجود يك کشور، با استفاده از ابزار نظامی و در جهت دستیابی به يك یا چند هدف مشخص دلالت دارد. تضاد منافع (میان دو کشور) ممکن است به شیوه دوستانه حل و فصل گردد، لکن اگر امکان حل و فصل مسالمت‌آمیز مناقشه نباشد، در این صورت تنها راه باقی مانده، اقدام نظامی خواهد بود. با وجود این، ممکن است عوامل بسیاری، بطور مستقیم و یا غیر مستقیم، بر طبیعت، قلمرو و زمان چنین تصمیمی تأثیر بگذارد. به عقیده کلاوسویتز<sup>۳</sup> پنج عنصر در ایجاد استراتژی نظامی نقش دارند:

۱- عناصر روانی و اخلاقی

۲- اندازه، ترکیب و سازمان نیروی نظامی

۳- موقعیتها و تحریکات نسبی نیروها و فاصله آنها با موانع و اهداف؛ یعنی مختصات محل درگیری

۴- عوارض و ناهمواریهای منطقه

۵- راه‌ها و شیوه‌های پشتیبانی

او بویژه، اهمیت اصل غافلگیری، بر خورداری از حمایت عمومی و قوت قوای روحی را خاطر نشان می‌سازد. وی همچنین بر اهمیت بر خورداری از يك موقعیت برتر با عنایت به عوارض منطقه درگیری تأکید می‌کند.

اگر چه، عامل آب و هوای نامساعد ممکن است موجب افزایش یا کاهش مزیت‌های موقعیت درگیری گردد، اما عناصر بنیادین استراتژی به همان صورت باقی خواهد ماند.

بیانات مردان بزرگ تاریخ درباره جنگ و آموزش‌های آنان در مسیر زمان به عنوان «اصول جنگ» شناخته شده است. اصول اساسی جنگ، که ستون فقرات استراتژی جنگی را

۱ - و اعدوا لهم ما استطعتم من قوه و من رباط الخيل ترهون به عدوا لله و عدوكم و اخرين من دونهم لاتعلمون الله يعلمهم و ما تنفقوا من شيء في سبيل الله يوف اليكم و انتم لا تظلمون.

تشکیل می‌دهد، در سطرهای زیر خلاصه شده است؛ به عقیده سان تزو:

۱- متهای برتری، عبارت است از درهم شکستن مقاومت دشمن بدون توسل به جنگ.

۲- عالیترین شکل فرماندهی، نقش برآب کردن طرحهای دشمن و در مرتبه بعد مانع شدن از الحاق قوای دشمن به یکدیگر است.

۳- واقعیات نظامی به آب شباهت دارند، زیرا آب در مسیر طبیعی خود از مکانهای مرتفع به حرکت درمی‌آید و به سرعت سرازیر می‌گردد. جنگ نیز همینطور است، راه پرهیز از خطا وارد کردن ضربه به نقاط ضعف دشمن است. آب راه خود را متناسب با زمینی که روی آن جریان می‌یابد، می‌گشاید. سرباز نیز به همین گونه پیروزی خویش را با توجه به دشمنی که با آن روبروست به دست می‌آورد.

۴- سرعت عمل، جوهر جنگ است<sup>۱</sup> و استفاده از عدم آمادگی دشمن، عبور از مسیرهایی غیرمنتظره و حمله به نقاط بی حفاظ دشمن را میسر می‌سازد.

به عقیده یکی دیگر از صاحب نظران نظامی، اولین اصل، ایجاد تمرکز تا حد ممکن، و اصل دوم تسریع در حرکت تا سر حد امکان است، بدین مفهوم که اجازه هیچگونه تأخیر یا انحراف از مسیر اصلی، بدون دلایل کافی داده نشود. وی اصول بنیادین جنگ را به ترتیب ذیل عرضه می‌کند:

(الف) غلبه و انهدام قوای مسلح دشمن

(ب) تصرف عناصر مهم تهاجمی ارتش متخاصم

(ج) از دست ندادن زمان، زیرا به وسیله سرعت عمل، بسیاری از اقدامات دشمن در نطفه خفه خواهد شد.

بنابراین، اصل غافلگیری مهمترین عنصر پیروزی به شمار می‌رود.

(د) تعقیب و پیگیری موفقیت‌های به دست آمده با نهایت انرژی، زیرا تعقیب تنها ابزار جمع‌آوری پیروزی است. دیگر متخصصان نظامی، حمایت خود را از يك خط مشی استراتژی جنگی، براساس عوامل زیر ابراز داشته‌اند:

۱- صرفه‌جویی در قوا ۲- امنیت ۳- سرعت عمل در تحرك ۴- غافلگیری ۵- اقدام تهاجمی ۶- تحرك و پویایی ۷- بهره‌برداری از موفقیتها ۸- تقویت بخشهای آسیب‌پذیر

۹- وحدت فرماندهی ۱۰- روحیه، توانایی فرماندهی و کیفیت نیروها.  
دولت ایالات متحده امریکا، نظریات فرماندهان نظامی بزرگ را در قالب اصول جنگ، به قرار زیر گردآوری کرده است:

«اصل تهاجم، صرفه‌جویی در نیرو، تحرك (قدرت جابجایی) وحدت فرماندهی، غافلگیری و امنیت».

دولت بریتانیای کبیر، اصول جنگ را در زمینه مقررات خدمتی در سال ۱۹۲۹ و مجدداً در سالهای ۱۹۳۵ و ۱۹۶۰ بدین صورت خلاصه کرده است: «عملیات تهاجمی، غافلگیری، صرفه‌جویی در نیرو، امنیت، تحرك و روحیه»

### اصول جهانی جنگ

يك بررسی اجمالی در مورد نظریات متخصصان و فرماندهان نظامی، نشان‌دهنده اصول مشخصی است که به صورت جهانی به عنوان بهترین و کارآمدترین ابزار دستیابی به برتری و پیروزی بر دشمن شناخته شده‌اند. این اصول را می‌توان بدین صورت جمع‌بندی کرد: روحیه نظامی، غافلگیری، عملیات تهاجمی، اقدامات تأمین، تحرك و پویایی، سرعت در حرکت، صرفه‌جویی در قوا، وحدت فرماندهی قوای نظامی و استفاده مؤثر از جغرافیا و بررسی عوارض منطقه برای مقاصد نظامی. اکنون در پرتو نظریات این متخصصان و خبرگان نظامی پیرامون استراتژی جنگی پیامبر اکرم (ص) به بحث می‌پردازیم:

### استراتژی جنگی پیامبر اکرم (ص)

کاملاً روشن است که رسول اکرم (ص) هرگز آغازگر جنگ با هیچ يك از دشمنان خود نبود. ایشان به یگانگی خداوند یکتا معتقد بود و بستگان و دوستان خویش و دیگران را نیز به همین دین دعوت می‌کرد.

او نه تنها قصد آزار هیچ يك از مخالفان خود را نداشت، بلکه خیرخواه آنها بود و میل داشت همه آنها به خدای یگانه روی آورند تا از صلح و خوشبختی تحت قانون الهی و حیات طیبه برخوردار گردند و پرستش تنها و راه‌های شیطانی تباهی، غیراخلاقی و بیدادگری را ترك کنند.

پناهنده شدن به مدینه و ادار کردند. با این حال، آنان در آن شهر نیز اجازه يك زندگى امن را به او ندادند و برای از میان برداشتن وی، به یورشها و حملات پی در پی اقدام نمودند.

جرم وی چه بود؟ اینکه، آنها را در جهت خیر خودشان به مسیر حق دعوت کرد. قرآن می فرماید: «ای رسول ما بگو: ای مردم، پیام راستین از جانب پروردگارتان برایتان فرا رسیده؛ پس هر کس که به راه راست هدایت یابد به سود اوست و هر که گمراه گردد، به زیان خویش به گمراهی افتاده است...»<sup>۱</sup>

در سورة نساء آمده است: «ای مردم، پیامبری به حق از جانب خدا بر شما مبعوث شد، به او ایمان بیاورید که خیر شما در آن است و اگر هم ایمان نیاورید، بدانید که از این کفر به خود زیان رسانیده اید و خدا از شما بی نیاز است زیرا هر چه در آسمانها و زمین است از آن خداست. و خدا (به احوال هر مؤمن و کافر) دانا و (در ثواب و عقاب آنان) حکیم است»<sup>۲</sup>

این يك دعوت صمیمی و صادقانه برای مردم و سعادت آنها بود. اگر آنان دین پیامبر (ص) را دوست نداشتند، می توانستند آن را به سادگی نپذیرند و به دنبال عمل به اعتقادات خود بروند و پیامبر اکرم (ص) را با عمل خود تنها بگذارند، اما آنها راه های خشونت آمیز را در از میان برداشتن وی و عقاید او برگزیدند. بنابراین، رسول اکرم (ص) مجبور شد تا از دین خود در مقابل این عده دفاع کند. از اینرو هدف و انگیزه اصلی استراتژی نظامی وی عبارت بود از: دفاع از عقیده و برطرف نمودن موانع از سر راهش تا آنان که به حقانیت راه او پی برده بودند، بتوانند آزادانه آن را بپذیرند و بدون هیچ ترس و آکراهی به آن عمل کنند.

هدف وی محاربه یا کشتن دشمنانش نبود، بلکه بازداشتن آنان از تهاجم علیه او و دیگر افرادی بود که می خواستند آزادانه به دین خود عمل کنند. لذا تمامی استراتژی نظامی او در جهت رسیدن به اهداف و رسالت الهی اش با کمترین درگیری در عملیات نظامی و حداقل تلفات جانی تدبیر و طراحی شده بود. پیامبر اکرم (ص) نهایت تلاش خود را نمود تا از طریق مباحثه، استدلال و دعوت به نیکوترین روش، قریش، یهودیان و دیگر قبایل به نوعی توافق

۱- قل یا ایها الناس قد جانکم الحق من ربکم فمن اهتدی فانما یتدی لنفسه و من ضل فانما یضل علیها و ما انا علیکم

صلح آمیز با وی برسند زیرا هیچ زمینه‌ای برای برخورد و درگیری وجود نداشت. تنها انتظار و درخواست پیامبر (ص) از ایشان ستایش و اطاعت از پروردگار خود و پروردگار جهانیان برای سعادت مشترکشان بود.

«ای رسول، بگو: من انسانی هستم همانند شما، به من وحی می‌شود. هر آینه خدای شما خدایی است یکتا. هر کس دیدار پروردگار خویش را امید می‌بندد، باید کرداری شایسته داشته باشد و در پرستش پروردگارش هیچ کس را شریک نسازد.»<sup>۱</sup>

اما وقتی تمامی تلاشهای پیامبر اکرم (ص) در برقراری صلح به شکست انجامید و دشمنان او شروع به عملیات نظامی علیه او کردند، او نیز تمامی منابع موجود انسانی و مادی اش را بسیج کرد و استراتژی جنگی خود را در جهت دستیابی به اهدافش، که عبارت بود از «شکستن پایداری و مقاومت نظامی دشمن با حداقل تلفات جانی از دو طرف»، به مرحله عمل درآورد. استراتژی جنگی پیامبر (ص) براساس یک بررسی واقع‌گرایانه نسبت به قوای مادی و انسانی دشمن، استراتژی و طرحهای نظامی آنها، عوامل جغرافیایی، عوارض نواحی‌ای که اغلب مبارزات وی احتمالاً در آن مناطق صورت می‌پذیرفت، و بالاتر از همه روحیه نظامی آنها، قرار داشت.

پیامبر اکرم (ص) در تدوین طرحهای نظامی از استراتژی جغرافیایی بهره کامل برد و در عملیات جنگی خود از آن استفاده پویا کرد، در حالی که قدرت، تحرك، استراتژی جنگی و روحیه دشمن را کاملاً در نظر داشت. او به خوبی از اهمیت عوامل محیطی، به ویژه نواحی کوهستانی‌ای همچون منطقه مدینه و مناطق مجاور آن آگاهی داشت.

از اینرو او با دقت فراوان دست به کار برآوردی از این عوامل فیزیکی و جغرافیایی در رابطه با کارایی و کفایت عملیات و امنیت نظامی شد، او همچنین از اهمیت حمله‌های غافلگیر کننده و ضدیت کفار بر مردان جنگی خودش و تأثیر ویرانگر آن بر روحیه رزمندگان و نیز بر توان نظامی قشون بی‌اطلاع نبود. این مسأله، افزون بر اهمیت حفظ اسرار و همچنین نقش سرعت و تحرك در عملیات بود.

بنابراین لازم بود تا سازماندهی یک منبع اطلاعات منظم و پیوسته برای کسب اطلاعات راجع به نقشه‌ها و تحركات دشمن انجام گیرد.

پیامبر اکرم (ص) يك سیستم جامع کسب اطلاعات ضروری در مورد برنامه‌ها و تحرکات دشمن سازماندهی کرد.<sup>۱</sup> وی براساس نیاز، دیده‌بانها و گشتی‌های شناسایی و جنگی را به مناطق اطراف و درون سرزمینهای دشمن اعزام می‌کرد.

علاوه بر این، يك سرویس اطلاعاتی برای کسب اخبار دشمن در زمینه نقشه‌های دشمن، قدرت نظامی و تحرکات دشمن ایجاد کرد. برای این منظور لازم بود که به درون قلمرو دشمن رخنه کرد و با مردم آنها در آمیخت تا طرحهای پنهانی ایشان کشف شود.

وی همچنین يك واحد کماندویی که بتواند بطور مخفیانه به اهداف ویژه‌ای دستیابی پیدا کند، بدون اینکه باعث خونریزی شود، یا صلح را برهم زند، تشکیل داد.

سرانجام، يك ستون پنجم هم برای پخش شایعات و ایجاد رعب در میان دشمن و به منظور تضعیف روحیه آنها سازماندهی شد.<sup>۲</sup> این واحدها سخت کوشیدند تا افرادی را تربیت کنند که آمادگی حداکثر فداکاری در راه اسلام را داشته باشند و نهایت انضباط فردی را رعایت کنند. پیامبر اکرم (ص) از این واحدها برای انهدام تجّار شرور، راهزنان و رهبران شورشی<sup>۳</sup> آنها و

۱ - معمولاً در ابتدای گزارش منابع دست اول تاریخ اسلام در مورد بیشتر غزوه‌ها و سریه‌ها، با جمله «رسول خدا (ص) به وسیله... از قبیله... خبر یافته» برمی‌خوریم که حاکی از اطلاع وسیع پیامبر اکرم (ص) از مناطق مختلف شبه جزیره عربستان بود.

۲ - در غزوه خندق، آنطور که در آیات ۹ تا ۲۵ سوره احزاب آمده است، مسلمانها با محاصره طولانی احزاب و گروه‌های کفار و یهود رویرو شدند و هر آن، بیم سقوط شهر و انهدام اساس اسلام می‌رفت و مسلمانها در وضعیت روحی بدی به سر می‌بردند، همانگونه که آیات ۱۰ و ۱۱ سوره احزاب به آن اشاره می‌کند. وقتی از فراز و نشیبان بر سرتان آمدند و آن دم که دیدگان خیره گشت و دلها به حنجره رسید و گمانهایی به خدا می‌بردید، آنجا مؤمنان آزموده شدند و تکانی سخت خوردند. در این هنگام پیامبر اکرم (ص) یکی از تازه مسلمانها را بنا به درخواست خودش، ضمن توصیه به مخفی نگهداشتن ایمان، به کسب خیر و پخش شایعات مأمور کردند. وی که تُعیم بن مسعود نام دارد و چهره سرشناس و مورد اعتماد قریش و یهود بود، به طرز بسیار جالب و ماهرانه‌ای بین قریش و یهود، جو عدم اعتماد و اختلاف، ایجاد و به شرحی که در کتابهای تاریخ اسلام آمده است به دلسردی و تفرقه بین آنها کمک نمود.

۳ - پس از غزوه أُحُد، که اولین آسیب سخت بر پیکره مسلمین بعد از پیروزی اعجاب‌آور بدر وارد آمد، مشرکان گستاختر شده، مدینه را هدف حملات خود قرار دادند و حتی در قالب گروه‌های کوچک نیز به اطراف مدینه شبیخون

نیز ایجاد رعب در خطوط دشمن، استفاده شایانی برد.

کعب بن<sup>۱</sup> الاشرف، ابو عَفَّك<sup>۲</sup> و سلام بن ابی الحَقِیق (معروف به ابو رافع)<sup>۳</sup> توسط همین گروه‌های کماندوی کشته شدند. تشکیل این واحدها آن حضرت را برای جمع‌آوری انواع اطلاعات راجع به طرح‌های دشمنان قادر ساخت.

این سیستم نه تنها اطلاعات لازم را تأمین می‌کرد بلکه حداکثر امنیت را برای مسلمین در شهر به اندازه میدان رزم فراهم می‌کرد و به آنها فرصت دستیابی و غلبه غافلگیرانه بر قوای دشمن را نیز می‌داد. این تشکیلات همچنین حرکت آزادانه را در داخل و اطراف قلمرو دشمن بدون ترس از کمین تضمین می‌کرد. تمام عوامل مزبور در استراتژی جنگی پیامبر اکرم (ص) محاسبه شده بود.

هدف او رسیدن به اهداف پیش‌بینی شده با رعایت حداقل هزینه عملیات نظامی بر حسب جان انسانها بود. بنابراین، حضرت در طراحی استراتژی نظامی خود و انتخاب محل‌های

پیامبر اکرم (ص) پس از اطلاع، برای پیشگیری از اقدام این فرد و در نتیجه جلوگیری از قتل و خونریزی بیشتر و همچنین مأیوس کردن مشرکان دیگری که قصد سوه داشتند، عبدالله بن اَیَس انصاری را به منظور کشتن او به منطقه مزبور اعزام کردند. عبدالله که سفیان بن خالد را نمی‌شناخت با نشانه‌هایی که از رسول خدا (ص) دریافت کرد با او روبرو شد و خود را از مخالفان رسول خدا (ص) قلمداد کرد و خواستار همکاری با وی گردید و سپس در يك موقعیت مناسب توانست سفیان بن خالد را به قتل برساند. این عمل نه تنها جمع مشرکان را پراکنده ساخت، بلکه دیگران را نیز تا اندازه زیادی از اقدامات مشابه منصرف کرد.

۱ - پس از غزوه بدر و رسیدن مژده پیروزی به مدینه، کعب بن اشرف یهودی که مردی شاعر و زبان‌آور بود به مکه رفت و ضمن تحریک فریض و اظهار همدردی با ایشان، در اشعار خود به پیامبر اکرم (ص) توهین و نام‌زنان مسلمان را با بی‌احترامی ذکر کرد. پس از بازگشت او به جمع یهودیان اطراف مدینه، رسول‌گرامی اسلام (ص)، محمد بن مسلمه را به از میان بردن او مأمور کردند، در نهایت محمد بن مسلمه به همراه چهارتن دیگر از مسلمانها پس از تلاش بسیار و با استفاده از عامل فریب توانست بر او غلبه کند.

۲ - ابو عَفَّك از رجال یهود بود که پس از غزوة احد به تحریک دشمنان اسلام می‌پرداخت، بنابراین از جانب رسول اکرم (ص) سالم بن عُمَیر از اصحاب جنگ بدر (در ماه شوال سال دوم هجرت) مأمور به دفع او شد.

۳ - سلام بن ربیع بن ابی الحقیق رهبر یهود خیبر (معروف به ابو رافع) یکی از نیروهای مؤثر در فراهم کردن احزاب در



عملیات جنگی دقت بسیار بکار می‌برد تا نه تنها کار آیی و اثربخشی نظامی به حدکثر برسد، بلکه تلفات جانی انسانها نیز به حداقل کاهش یابد.

در پی همین هدف، پیامبر اکرم(ص) سعی کرد ابتکار عمل را در عملیات تهاجمی در دست گیرد. گروه‌های گشت‌زنی تشکیل داد تا با غلبه ناگهانی و غیرمنتظره بر دشمن، آنها را بدون مبادرت به جنگ به صلح متمایل سازد و چنانچه آنها اقدام به فرار می‌کردند، نیروهای مسلمان دستور داشتند به تعقیب آنها نپردازند<sup>۱</sup> زیرا هدف، کشتن آنها نبود بلکه شکستن مقاومت دشمن و برطرف کردن موانع پذیرش ایمان از جانب مردم بود. به همین لحاظ پیامبر اکرم(ص) قریش را تحت محاصره اقتصادی قرار داد تا اینکه آنها بدون اقدام به درگیری متمایل به صلح شوند و حتی برای پیشگیری از خونریزی بیشتر، رهبر قبیله‌ای که معاند با اسلام بود و بیشترین سهم را در گمراهی مردم داشت، توسط همین واحدهای کماندویی به قتل رسید که در نتیجه، تمامی افراد قبیله آزاد شدند.

بطور خلاصه استراتژی نظامی رسول اکرم(ص) بر اصولی چون غافلگیری، سرعت عمل، امنیت، تهاجم و به حداقل رساندن تلفات جانی مبتنی بود.

والسلام

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی